

طوفان ۱۳۹۷

چگونه در سال ۹۷ هدفگذاری کنیم تا امسال را همچون طوفان قدرتمند شروع کنیم؟



www.pool doubler.ir

- ۲.....مقدمه
- ۶.....تجلی
- ۷.....اهداف در گروی رسالت و آرزویتان
- ۱۰.....کار رؤیایی چه ارتباطی به اهدافمان دارد؟
- ۱۲.....یک خوش‌شانسی بزرگ
- ۱۳.....تفاوت کتاب و دفتر
- ۱۴.....گرداب فراموشی
- ۱۵.....اهداف را کجا بنویسیم؟
- ۱۶.....سکان دار کشتی اهداف
- ۱۷.....چشم‌انداز ۲۰ ساله
- ۱۸.....چشم‌انداز کوتاه‌مدت
- ۱۸.....چطور طوفان ۱۳۹۷ را به پا کنیم؟
- ۲۰.....غرق در طوفان دیگران نباش
- ۲۱.....به کدام هدف می‌رسیم؟
- ۲۴.....شیشه را بشکن
- ۲۵.....اجل در راه است
- ۲۶.....بیمه کنید تا آسوده باشد
- ۲۸.....جمع بندی

مقدمه

کتاب الکترونیکی طوفان ۱۳۹۷ مناسب برای افرادی نوشته شده است که می‌خواهند با شناخت و رسیدن به اهدافشان سال ۹۷ را به بهترین سال زندگی‌شان تبدیل کنند. این کتاب مناسب افرادی است که می‌خواهند اهدافشان را بشناسند و به همه‌ی اهدافشان برسند و حاضرند امروز فقط یک ساعت از وقتشان را برای رسیدن به این اهداف صرف کنند. از آنجایی که مسیر رسیدن به اهداف خیلی لذت‌بخش است این کتاب نوشته شده تا شما این لذت را به راحتی تجربه کنید.

من مهیار ضیائی، در یک خانواده‌ی متوسط اما با تعلیماتی خیلی عالی از سمت پدر و مادرم متولد شدم که باعث شد از کودکی به دنبال تحقیق و مطالعه باشم که چطور می‌توانم از نظر مالی مستقل و پول‌ساز باشم. چیزهای زیادی وجود داشت که دوست داشتم، داشته باشم اما پولی نداشتم که مرا به آرزوها و خواسته‌هایم برساند و با صرفه جویی زندگی‌ام را می‌گذراندم؛ اما همیشه دوست داشتم بتوانم به راحتی خرج کنم و به آسانی درآمد کسب کنم.

این شد که از هفده سالگی به دنبال کسب درآمد شروع به کار کردن کردم. کارهای کارگری و کارمندی و حتی دست‌فروشی؛ اما زمانی که از من

گرفته می شد و مهم تر از همه این که یک نفر دیگر به من دستور می داد و برایم خطمشی تعیین می کرد برایم غیرقابل تحمل بود و همواره دنبال این بودم که کسب و کار مستقل خودم را داشته باشم. این اولین هدف کاری من در زندگی بود که می خواستم به آن برسم.

هدف گذاری کردن را مدتی قبل از این تصمیم یاد گرفته بودم خیلی وقت بود که طبق اهدافی که برای خودم تعیین کرده بودم هرروزم را برنامه ریزی می کردم و طبق برنامه پیش می رفتم. و همین که این تصمیم را گرفتم شروع به راه اندازی کار مستقلم را هدف قرار دادم و شروع به تحقیق کردم و بالاخره این هدف تیک خورد.

با تلاش فراوان یک سیستم مالی را راه اندازی کردم، با اینکه درآمدی که از این کار داشتم خیلی هم بالا نبود اما آموختم اگر هدفی تعیین کنم و آن را به یاد داشته باشم و سریع برای آن اقدام کنم حتماً به آن می رسم. تا این که با چیزی شگفت انگیز برخورد کردم و آن چیزی نبود به جز فرمول دو برابر کردن پول.

این فرمول توسط یک شخص خارجی نوشته شده بود و به این صورت بود که هر کس می تواند در بیست و هشت مرحله و با دو برابر کردن پول در هر مرحله از یک دلار به یک میلیون دلار برسد و اینجا نقطه عطف زندگی من شد. اینجا جایی بود که احساس کردم رسالت من به سرانجام رساندن این

فرمول و نشان دادن نتیجه‌ی آن است تا همگان باور کنند که می‌شود از هیچ ثروت ساخت و به همه آرزوها رسید. و این بزرگ‌ترین هدف زندگی من شد.

اما کار ساده‌ای هم نبود. هیچ آموزشی برای این فرمول وجود نداشت و من باید با انجامش آن را با شرایط بازار ایران تطبیق می‌دادم و این کار را با یک اسکناس پنج‌هزارتومانی آغاز کردم. با چندین سال آزمون و خطا و آزمودن فرمول در بیش از پنجاه شغل و بیزینس مختلف، مطالعه و شرکت در دوره‌های مختلف و هزینه کردن تمام درآمد برای یادگیری بالاخره توانستم دو برابر کردن پول را به سرانجام برسانم و بالاخره به آزادی مالی مدنظرم از کودکی تابه‌حال برسم و بتوانم به‌سادگی پول بسازم و به‌راحتی و هر مقداری که دوست داشتم پول خرج کنم.

همه‌ی این‌ها از داشتن هدفی که سریعاً برای تحققش قدمی برداشتم سرچشمه گرفت. با برداشتن قدم اول کم‌کم مسیرهای بعدی را دیدم و کم‌کم رسالت زندگی خودم یعنی آموزش این مسائل را یافتم و با دنباله‌گیری اهدافم هرروز توانستم به اهداف بزرگ‌تری برسم.

کتاب الکترونیکی طوفان ۱۳۹۷ یک دستورالعمل هدف نویسی و اقدامات اولیه برای رسیدن به آن است. با مطالعه‌ی کتاب الکترونیکی پیش رو می‌آموزید چگونه هدف نویسی کنید و راه‌هایی که رسیدن به اهدافتان را

سریع و ممکن می‌کند را یاد می‌گیرید. شما برای اجرای این دستورالعمل‌ها و تمرینات نیاز به پول و سرمایه خاصی ندارید، نیاز به مکان و ماشین و هیچ‌چیز دور از دسترسی ندارید. شما تنها نیاز به مقدار زیادی اشتیاق و انگیزه و یک دفتر اهداف دارید که همین حالا آن را تهیه کنید. باید این را بدانید که اگر همین امروز شروع به مطالعه‌ی مطالب این کتاب کوتاه کنید و اهدافتان را بنویسید و شروع به اقدام برای رسیدن به آن کنید تا چند سال دیگر بعد از خواندن دفتر اهدافتان لبخند خوشحالی بر لبان می‌نشیند زیرا اهداف بزرگتان را می‌بینید که تبدیل به بدیهیات زندگی‌تان شده. هدفی که روزی خیلی برایتان بزرگ بود می‌تواند تبدیل به خاطره‌ای شیرین شود. با رسیدن به اهدافتان شیرینی‌های زندگی‌تان را دو برابر و دو برابر کنید. شما یک پول دو بلر هستید.



تجلی

هدف داشتن تجلی زندگی است. انسان هدفمند شبح افسردگی و اتفاقات بد را از زندگی خود دور می کند و از زندگی لذت بیشتری می برد. ما همواره سال های سال را گذرانده ایم و هدفمان از این زندگی چه بوده؟ آیا تاکنون را بی هدف زیسته ایم و یا هرروز به دنبال رسیدن به خواسته های در حال تلاش بوده ایم؟ اگر انسان نداند چه می خواهد همواره به دور خود می چرخد و بهتر بگوییم هم چنین شخصی زندگی نمی کند، بلکه فقط زنده است.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم ماست

ما باید همواره در زندگی مان بدانیم که چه می خواهیم و هرروزی که بیدار می شویم و می بینیم هنوز زندگی ادامه دارد به دنبال اهدافمان باشیم. شناخت اهدافمان و نوشتن اهداف باعث می شود هر چه سریع تر به خواسته های بزرگ و کوچمان برسیم و از زندگی خود بیشتر لذت ببریم.



اهداف در گروی رسالت و آرزویتان

ما چه آرزویی داریم؟ به چه چیزهایی می‌خواهیم برسیم؟ رسیدن به چه خواسته‌هایی ما را خوشحال‌تر از قبل می‌کند؟ این را باید بدانید آرزوهایی وجود دارد که بسیار مهم‌تر از چیزی که می‌خواهیم است و آن این است که چه کاری را انجام دهیم؟ آرزوی شما انجام دادن چه کاری است؟ اگر بحث پول و حقوق و هزینه‌های زندگی مطرح نبود چه کاری را انجام می‌دادید؟ بنشینید و فکر کنید که آرزویتان انجام چه کاری است؟ فکر کنید اگر این کار را انجام دهید هرچقدر بخواهید به شما پول می‌دهند؛ آرزویتان انجام چه کاری است؟

اگر بحث پول و حقوق و هزینه‌های زندگی مطرح نبود
چه کاری را انجام می‌دادید؟

مثالی می‌زنم تا راحت‌تر درک کنید. یک سخنرانی در تداکس می‌دیدم که خانمی به نام سحر طوسی درباره سفرهایی که به تنهایی می‌کرد صحبت می‌کرد. شوقی که در صحبت‌های ایشان وقتی که درباره سفر صحبت می‌کرد وجود داشت نشان از علاقه‌ی وافر ایشان به این کار داشت. ایشان

به هر شکلی توانسته بود به کشورهای مختلف و به بسیاری از شهرهای ایران سفر کند و مهم‌تر از همه برای رسیدن به رؤیایش یعنی سفر نامحدود از کارش در بیمارستان استعفا داد و دنبال اهداف و رؤیایش رفت. این یعنی رفتن به دنبال علاقه و انتخاب کار رؤیایی بدون در نظر گرفتن پول. شاید هم‌چنین کاری خطرناک به نظر برسد و من در دوره‌هایم افراد بسیاری را دیده‌ام که وقتی می‌گویم چرا دنبال آرزویتان نمی‌روید فهرستی از بهانه‌ها دارند. و باید بدانید که هرروز به این لیست اضافه می‌شود. اگر امروز به دنبال آرزویتان نروید فردا بهانه‌های بیشتری برای نرفتن به دنبالشان دارید. اما الآن خانم طوسی با استادگی در برابر این بهانه‌ها در حال انجام سفرهایشان هستند و با رسیدن به این هدف لذتی بزرگ در این زندگی بدون تکرار را تجربه می‌کنند.

اگر امروز به دنبال آرزویتان نروید فردا بهانه‌های بیشتری برای نرفتن به دنبالشان دارید.

در زندگی همه ما یک رسالت مهم وجود دارد و آن رسالت لذت بردن از زندگی است. آیا فکر می‌کنید وقتی به هدفتان برسید خوشحال‌تر از قبل می‌شوید؟ فکر می‌کنید میلیاردها تومان پول داشته باشید خوشحال‌تر

می‌شوید. اگر نداریدش شاید بگویید بله اما خوشحالی‌اش برای مدت کوتاهی است. رسالت زندگی ما لذت بردن از زندگی است. یادتان باشد اگر در سفر هستید شاید مقصد جای عجیب و زیبایی نباشد پس در مسیر ن خوابید. در مسیر در انتظار رسیدن نباشید بلکه از مسیر حداکثر لذت را ببرید.

رسالت زندگی ما لذت بردن از زندگی است.

ما باید بدانیم رسالت ما در زندگی چیست؟ چرا در این دنیا هستیم و چرا می‌خواهیم این زندگی را ادامه دهیم؟ آیا بی‌هدف به دنیا آمده‌ایم یا قرار است کار خاصی در زندگی انجام دهیم؟ هر کدام از ما در زندگی رسالتی داریم و اگر به دنبال رسالت خود که معمولاً همان کاری است که عاشقانه آن را دوست داریم برویم صد درصد به هر موفقیتی که بخواهیم می‌رسیم. در سال‌هایی که نوجوان بودم یک شبی که مهمان داشتیم برنامه‌ای از تلویزیون پخش می‌شد که شخصی در بیشه‌زار به دنبال حیوانات می‌رفت و از آن‌ها مستند درست می‌کرد. ناگهان شروع به صحبت درباره‌ی او کردم و گفتم خوش به حال خارجی‌ها! می‌توانند کاری که دوست دارند را انجام دهند و از آن پول هم درمی‌آورند؛ ای کاش ما هم می‌توانستیم همین کار



را بکنیم. گویا خدا صدایم را شنید و مرا به سمت انجام علایقم پیش برد. آیا فکر می کنید فقط در خارج از کشور این گونه است؟ خیر در ایران هم می توانید این کار را بکنید. می خواهید بدانید چگونه؟ همچون افرادی که این کار را می کنند. آن ها را پیدا کنید تا باور کنید که می شود. افرادی که می دانند رسالت زندگی شان چیست.

کار رؤیایی چه ارتباطی به اهدافمان دارد؟

چند روز پیش یکی از هم کلاسان قدیمی ام را دیدم و شروع به صحبت کردیم. کمی از وضع زندگی اش گله کرد و گفت که کارخانه ای که در آن کار می کنم ۴ ماه است حقوق مرا پرداخت نکرده است. ناگهان این سؤال در ذهنم ایجاد شد که چرا کارگران وقتی حقوقشان را نمی دهند باز هم در آن کارخانه به کارشان ادامه می دهند؟ گفت چون متأهلم و زندگی ام هزینه دارد و نمی توانم از کارم بیرون بیایم. نمی دانم برای من به هیچ عنوان قانع کننده نبود! خب آدم متأهل باشد، کاری سخت هم انجام دهد، حقوق هم نگیرد؟! خب حالا من یکی از المان های این معادله را تغییر می دهم. متأهل باشی، کاری که عاشقش هستی را انجام دهی و حقوق نگیری! حتی اگر هیچ کاری انجام ندهی هم بهتر از این است که کاری که

مجبوری انجام دهی و پول نگیری.
البته این را باید بدانید که اگر کاری که به آن علاقه‌مندید را انجام دهید
بالاخره پول همچون آب در زندگی‌تان روان می‌شود و حقوق نگرفتن
بی‌معنی می‌شود. تازه بر فرض محال پولی هم از علاقه‌تان به دست
نیاورید. چه می‌شود؟ حداقل با خوشحالی کاری که دوست داشتید را
کردید. بهتر از این نیست که کاری که مجبورید را بکنید و پول نگیرید؟
چرا این‌ها را اول این کتاب گفتم؟ زیرا اگر می‌خواهید به اهدافتان برسید
مهم‌ترین کاری که باید انجام دهید این است که رسالتتان را که معمولاً
همان کاری است که عاشق آن هستید پیدا کنید و به دنبال همان
بروید. کاری که آرزوی انجامش را دارید. هر آنچه می‌خواهد باشد. سفر،
طبیعت‌گردی، مجری‌گری، نجاری یا هر چیزی. کار رؤیایی شما مساوی با
رسیدن‌تان به اهداف است.

اگر می‌خواهید به اهدافتان برسید مهم‌ترین کاری که باید
انجام دهید این است که رسالتتان را که معمولاً همان کاری
است که عاشق آن هستید پیدا کنید و به دنبال همان بروید.

یک خوش‌شانسی بزرگ

بزرگ‌ترین شانس‌ی که در زندگی‌ام داشتم این بود که از روزی که نوشتن یاد گرفتم پدرم همواره به من می‌گفت همه‌چیز را یادداشت کن تا یادت نرود و این باعث شد بعد از این که کمی بزرگ‌تر شدم همه‌ی چیزهایی که می‌خواستم را بنویسم. اولین بار که دیدم در کتابی راجع به هدف نویسی صحبت شده است کتاب قورباغه را قورت بده برایان تریسی بود که در آن روش‌هایی برای نوشتن اهداف گفته شده بود و از آن روز تا به حال سالی نبوده که اهدافم را ننویسم. فقط مشکل این بود که در کتاب مذکور بیشتر تمرکز بر روی کارهای روزمره‌ای بود که باید انجام می‌دادیم و بیشتر یک کتاب مدیریت زمان بود تا هدف نویسی. آن روز خیلی خوشحال بودم که همیشه می‌نویسم و دوست دارم بدانید که همه‌چیز را باید بنویسید. نوشتن به‌طور کل از فراموشی خواسته‌هایتان جلوگیری می‌کند و در هر سال می‌توانید خودتان را آنالیز کنید.

نوشتن به‌طور کل از فراموشی خواسته‌هایتان جلوگیری می‌کند

تفاوت کتاب و دفتر

ما باید در هرروز زندگی مان بدانیم چه چیزهایی را می‌خواهیم. خواسته ما با اهداف ما تفاوت دارد. اهداف خواسته و آرزویی است که برای آن برنامه‌ریزی کرده‌ایم و با برنامه برای تحقق آن تلاش می‌کنیم. اما خواسته صرفاً می‌تواند یک خواسته در ذهن ما باشد. این‌ها همچون دفتر و کتاب هستند، که در ظاهر شبیه هم هستند اما یکی خالی و دیگری سرشار از اطلاعات است. اما اهداف از همین خواسته‌ها و آرزوهای ذهن ما به وجود می‌آیند. پس ما باید خواسته‌هایمان را به‌خوبی بشناسیم. اما چگونه باید خواسته‌هایمان را پیدا کنیم. خب ساده است. باید از خودمان سؤال کنیم. من برای اینکه امسال رفاه بیشتری داشته باشم چه می‌خواهم؟ برای اینکه شادتر باشم چه می‌خواهم؟ برای اینکه بهتر زندگی کنم چه می‌خواهم؟ برای اینکه راحت‌تر مسافرت کنم چه می‌خواهم؟

مهم‌تر از همه ما باید فکر کنیم. برای هر سال از زندگی مان چه می‌خواهیم؟ شاید نیاز باشد به گذشته رجوع کنیم. شاید نیاز باشد کمی در حافظه مان قدم بزنیم تا از بین تار و پود ذهنمان خواسته‌هایمان را بیابیم. چه خواسته‌هایی به ذهنتان رسیده؟ چه چیز را با شوق و اشتیاق تابه‌حال خواسته‌اید؟ باید همه‌ی آن‌ها را بنویسید و بدانید زیرا همین خواسته‌هاست که اهدافتان از آن سرچشمه می‌گیرد.



گرداب فراموشی

آیا واقعاً نوشتن اهداف به ما کمک می‌کند که به آن‌ها برسیم؟ هر بار که دفترهای اهداف قدیمی‌ام را باز می‌کنم و اهدافم را می‌خوانم با خودم می‌گویم ای کاش در آن روزها اهداف بزرگ‌تری را انتخاب می‌کردم و می‌نوشتم چون هر چه در دفتر نوشته بودم اکنون جزئی از بدیهیات زندگی من بود. وقتی هدفی وارد دفتر اهداف می‌شود رسیدن به آن هدف حتمی است. اما اگر این هدف در هیچ جایی نوشته نشود به زودی در گرداب فراموشی نابود می‌شود و از ذهنمان پر می‌کشد. ما روزی که باور کنیم به هدفمان می‌رسیم به آن می‌رسیم. اگر هدفی را می‌نویسیم و در همان سال به آن نمی‌رسیم دلیلش مشکل در هدف نیست. مشکل در ذهن ماست و وقتی که برطرف می‌شود ما راه رسیدن به هدف را طی می‌کنیم.

اگر این هدف در هیچ جایی نوشته نشود به زودی در گرداب فراموشی نابود می‌شود و از ذهنمان پر می‌کشد.

اهداف را کجا بنویسیم؟

اهدافتان را در دفتری بنویسید که دوستش دارید. هر سال که می‌خواهید اهدافتان را تعیین کنید وقت بگذارید و یک سررسید اهداف بخرید که

جلدی محکم و زیبا با کیفیتی خوب داشته باشد و خراب نشود. شما باید اهداف را دقیق و درست و زیبا در دفتر بنویسید و هرروز آن دفتر در دسترستان باشد و آن را مطالعه کنید. در دفتر اهداف باید هرروز بنویسید که چه کاری برای هدفتان انجام دادید. باید هرروز درباره هدفتان بنویسید. باید هرروز بدانید هدفتان چیست و هرروز آن قدر بنویسید که هدفتان بیشتر و بیشتر برایتان روشن شود. راجع به اینکه چگونه از هدفتان استفاده می کنید بنویسید. راجع به اینکه چه قدر خوشحالی در شما ایجاد می کند و همان خوشحالی را همین حالا در خودتان ایجاد کنید.

باید هرروز بدانید هدفتان چیست و هرروز آن قدر بنویسید که هدفتان بیشتر و بیشتر برایتان روشن شود.

اگر بتوانید احساسی که پس از به دست آوردن هدف در شما به وجود می آید را هرروز در خود ایجاد کنید خیلی زودتر به هدفتان می رسید. یادتان باشد ماقبل از اینکه هدفی را داشته باشیم احساس می کنیم که اگر به آن هدف برسیم می توانیم خوشحال باشیم. این در حالی است که ما همین الان هم به خیلی از اهدافمان رسیده ایم اما چون بعد از چند روز داشتن آن ها برایمان عادی شد دیگر حس خوشحالی روز اول را نسبت

به آن‌ها نداریم. برای مثال یاد روز اولی بیفتید که گوشی موبایل خریدید. تمامی اهداف همین‌گونه است و هیچ هدفی تعیین‌کننده خوشحالی ما نیست. اما خوشحالی ما تعیین‌کننده رسیدن ما به اهدافمان است و به ما کمک شایانی در رسیدن به اهداف می‌کند.

نکته: از این قسمت حتماً به تمامی تمرینات پاسخ داده و پاسختان را یادداشت کنید. هر تمرین دنباله‌ی تمرین قبلی خود است و تا انجام ندادن کامل تمرین سراغ تمرین بعد نروید.

سکان دار کشتی اهداف

حال شاید بخواهید بدانید که چطور باید خواسته‌های بزرگ و کوچکتان را بیابید. برای این کار ابتدا باید بزرگ‌ترین خواسته‌هایی که برای زندگی‌تان دارید را پیدا کنید زیرا این اهداف هدایت‌کننده شما به سمت اهدافی است که هم اکنون باید داشته باشید. زمان داستان رسیده. چه داستانی؟ داستان علائدین و غول چراغ جادو! اگر چراغ جادو هم‌اکنون در دستان شما بود سه آرزوی مهم و حتمی شما چه بود؟ میلیاردها دلار پول؟ بهترین سرگرمی‌های جهان؟ بهترین همسر؟ تبدیل شدن به معروف‌ترین شخص جهان؟ حال زمان آن است که نامحدود فکر کنید. ذهن نامحدودتان چه می‌خواهد؟ آن را بنویسید تا بدانید بزرگ‌ترین آرزوی شما چیست.



چشم انداز ۲۰ ساله

وقتی بزرگ‌ترین خواسته‌هایتان برای کل زندگی‌تان معلوم شد باید چشم‌اندازی برای سال‌های دورتر زندگی‌تان داشته باشید. چشم‌انداز نشان می‌دهد شما می‌خواهید در آینده‌ی دورتر چه شخصی باشید. خوبی چشم‌انداز این است که باور شما نسبت به خودتان را در سال‌های کمی دورتر نشان می‌دهد. مثلاً باید فکر کنید که در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده می‌خواهید چگونه شخصی باشید، چه زندگی‌ای دارید، چه اموالی دارید، در کجا زندگی می‌کنید، همسرتان کیست و...

چشم‌انداز نشان می‌دهد شما می‌خواهید در آینده‌ی دورتر چه شخصی باشید.

چشم‌انداز زندگی رؤیایی است که به دنبال آن هستیم. چشم‌انداز همان چیزی است که باید هرروز در ذهن تجسم کنیم تا حال روحی ما را خوب کند و به ما نشان دهد که آینده زندگی‌مان چیست. ما باید با توجه به آرزویی که به غول چراغ جادو می‌گوییم چشم‌انداز زندگی‌مان را معلوم کنیم و دقیقاً بنویسیم که می‌خواهیم زندگی‌مان چگونه باشد. راجع به چشم‌اندازتان حداقل یک صفحه بنویسید. از این نوشته‌ها همه اهدافی را معلوم کنید که تا ۲۰ سال آینده باید به آن برسید. هر چه به ذهنتان می‌رسد را بنویسید. اگر بیشتر هم شد مهم نیست فقط بنویسید.

چشم انداز کوتاه مدت

حال تمرین یافتن چشم اندازها را با توجه به چشم انداز ۲۰ ساله تان باید برای ۱۰ سال و ۵ سال آینده زندگی تان هم انجام دهید و بدانید در این سال ها باید به چه چیزی برسید. توجه داشته باشید که به این که در حال حاضر چقدر حقوق دارید و چقدر درآمد دارید و در حال حاضر کارتان چیست فکر نکنید. باید نامحدود فکر کنید و اهدافتان را بنویسد. آرزوهایی که در این سال ها رنگ و روی زندگی مان را برمی گردانند چیست؟ بزرگ فکر کنید. فکر کنید کاغذی که روی آن می نویسید جادویی است و هر آنچه بر روی آن بیاید آیندهی زندگی مان را رقم می زند.

چطور طوفان ۱۳۹۷ را به پا کنیم؟

در این سال پیش رو چه چیزی می خواهید؟ می خواهید به کجا برسید؟ می خواهید چه خانه ای، چه ماشینی داشته باشید؟ می خواهید به کجا سفر کنید؟ چرا دوست دارید هدفی داشته باشید؟ چرا امسال باید به آن هدف برسید؟ آیا وقتی به پایان امسال برسید از طوفانی که در زندگی تان به پا کردید و در آن هرچه خواستید را به دست آوردید خوشنود می شوید؟ چشم اندازمان تا ۲۰ سال آینده، ۱۰ سال آینده و ۵ سال آینده معلوم شد و

حالا زمان آن رسیده که بدانید امسال به چه چیزهایی می‌خواهید برسید. ابتدا فهرستی بنویسید که برای امسال چه آرزوهایی دارید؟ اگر می‌دانستید هر چه در دفترتان بنویسید تا سال آینده همین روز به آن می‌رسید در دفترتان چه چیز نوشته می‌شد. همه آن‌ها را بنویسید. هر خواسته‌ای در این زمینه‌ها دارید بنویسید. موجودی پولی، خانه، ماشین، زندگی شخصی، امور خیریه، سفرها و تفریح‌ها، کار و درآمد، محل زندگی، محبوبیت و معروفیت و هر زمینه‌ای که به ذهنتان می‌رسد.

آیا وقتی به پایان امسال برسید از طوفانی که در زندگی تان به پا کردید و در آن هرچه خواستید را به دست آوردید خوشنود می‌شوید؟

همه آن‌ها را بنویسید یک فهرست از هر خواسته‌ای که برای امسالتان می‌خواهید بنویسید و اصلاً نترسید. حال از بین این اهداف فقط ۱۰ تا را که از همه مهم‌ترند بنویسید. از کجا باید بفهمیم کدام هدف مهم‌تر است؟ از مقدار تغییری که می‌تواند در زندگی‌تان ایجاد کند. مثلاً شاید این که خانه‌ی خودتان را داشته باشید بتواند در سال جاری زندگی‌تان را بهتر کند چون با همسران در آن زندگی خیلی خوبی را می‌توانید شروع کنید. باید این ۱۰ هدف را که از همه مهم‌ترند انتخاب کنید. حال از بین این ۱۰

هدف ۵ تا را انتخاب کنید که اگر به آن‌ها برسید می‌توانید بقیه اهداف را راحت‌تر به دست آورید. برای مثال اگر به خانه و درآمد ماهی ۱۰ میلیون تومان برسید خیلی راحت‌تر می‌توانید یک ماشین هم بخرید، پس ماشین را از لیست اهدافتان خط بزنید. اگر اهدافتان باهم همپوشانی نداشتند اهدافی که اهمیتشان از بقیه کمتر است را خط بزنید و فقط ۵ هدف برای امسال تعیین کنید تا بتوانید تمام تمرکزتان را روی آن‌ها بگذارید. اگر کمتر از ۵ هدف هم شد خیلی بهتر است. هرچه تمرکزتان را روی اهداف مهم‌تر و کم‌تری بگذارید زودتر به آن‌ها می‌رسید.

غرق در طوفان دیگران نباش

حال می‌خواهم موضوعی را بیان کنم که شاید برای رسیدنمان به اهداف موضوع خیلی مهمی باشد. هدفی که داریم به خاطر خودمان است یا بقیه؟ چرا می‌خواهیم یک‌خانه خیلی بزرگ داشته باشیم؟ چرا می‌خواهیم بهترین ماشین‌ها را داشته باشیم؟ چرا می‌خواهیم به سفرهای خارجی برویم؟ چرا می‌خواهیم میلیاردها تومان پول داشته باشیم؟ آیا این‌ها را به خاطر شخص خودمان می‌خواهیم؟ افراد بسیاری را دیده‌ام که می‌گویند بگذار فلان ماشین را بگیرم چشم فلانی را دریاورم. فلان خانه را بگیرم تا همه در

حسرت خانه و زندگی من باشند و مثال‌های خیلی زیادی که خودتان خیلی شنیده‌اید. نمی‌خواهم بگویم اگر هدف‌تان از داشتن هم‌چنین اهدافی این است، به آن نمی‌رسید نه، به آن می‌رسید اما راه‌تان بسیار سخت‌تر از بقیه راه‌ها است؛ زیرا شما درگیر طوفان اشخاص دیگر شده‌اید. زیرا اول از همه هدف‌تان تبدیل به یک هوس می‌شود و مهم‌تر از همه سوخت رسیدن اهداف کم می‌شود. سوخت‌تان چیزی نیست جر انگیزه و درآوردن چشم دیگران انگیزه‌ای خیلی کوچک است که نمی‌توانید موشک آرزوهایتان را به بیرون از جو پرتاب کند.

درآوردن چشم دیگران انگیزه‌ای خیلی کوچک است که نمی‌توانید موشک آرزوهایتان را به بیرون از جو پرتاب کند.

همیشه هر هدفی که دارید یادتان باشد برای شخص خودتان است. شما اولویت زندگی خودتان هستید. شما بهترین همسر و کودک را هم حتی برای آرامش خودتان می‌خواهید. اگر دیدگاه‌تان را به زندگی طوری عوض کنید که خودتان اولویت زندگی‌تان باشید انگیزه بیشتری برای حرکت پیدا می‌کنید. راحت‌تر به دنبال آرزوهایتان می‌روید و به راحتی به اهداف‌تان می‌رسید. شما مهم‌ترین شخص زندگی خودتان هستید و جز شما کسی در



جهان نیست که بتواند در زندگی‌تان تغییری شگرف ایجاد کند. برای اینکه بتوانید اهداف و هوس‌ها را از هم جدا کنید بازهم نیاز به سؤال کردن دارید. شما باید مهم‌ترین چراها را از خودتان بپرسید. چرا این هدف را می‌خواهم؟ چرا خانه ۱۰ خوابه می‌خواهم؟ چرا خودروی بوگاتی می‌خواهم؟ چرا هواپیمای شخصی می‌خواهم؟ اگر برای خودتان می‌خواهید و قرار نیست با آن خودنمایی کنید و یا به بقیه نشان دهید آن را بنویسید چون انگیزه کافی برای رسیدن به آن را دارید.

دیدگاهتان را به زندگی‌تان طوری عوض کنید که خودتان اولویت زندگی‌تان باشید.

به کدام هدف می‌رسیم؟

جواب ساده است. ما به اهدافی می‌رسیم که باور داریم به آن می‌رسیم. ما اهداف مهمی برای خودمان انتخاب می‌کنیم و می‌خواهیم به آن‌ها برسیم اما یک موضوع بسیار مهم است. اهداف باید برایمان دست‌یافتنی شوند. ما به اهدافی می‌رسیم که برای ذهنمان رسیدن به آن قابل‌باور باشد. یعنی اگر این اهداف را نوشتیم و امسال به آن رسیدیم از رسیدن به آن تعجب نکنیم. دو راه وجود دارد تا ما به اهدافمان برسیم. یک‌راه این است که



باورهایمان را نسبت به رسیدن به آن تقویت کنیم که این کار با پیدا کردن الگوها و کار کردن روی باورهایمان صورت می‌گیرد که راجع به آن در دوره هفت‌روزه هدف‌گذاری صحبت مفصلی می‌شود. راه دوم این است هدف‌هایتان را کم‌کم از باورهایتان بزرگ‌تر کنید تا به آن برسید.

ما به اهدافی می‌رسیم که برای ذهنمان رسیدن به آن قابل‌باور باشد.

برای مثال اگر اکنون هیچ ماشینی ندارید به یک‌باره نگوئید یک ماشین بنز آخرین مدل برای امسال می‌خواهم. البته اگر روی باورها به‌دقت کار شود در عرض یک سال هم می‌توانید به آن برسید اما این راه ساده‌تر است. شما اگر ماشین ندارید هدف امسالتان را ماشینی بگذارید که به نظرتان به دست آوردنش از همه ماشین‌ها راحت‌تر است. مثلاً یک پراید یا ۲۰۶ هدف‌تان باشد. نگوئید این خیلی کوچک است. به آن برسید و بعد از رسیدن به آن بزرگ‌ترش کنید. اگر هدف‌تان کوچک و قابل‌باور باشد زود به آن می‌رسید. البته اگر ماشین‌های مدل بالاتر هم می‌تواند همین‌قدر برایتان قابل‌باور باشد همان را هدف قرار دهید. البته اهداف چشم‌اندازتان را تا می‌توانید بزرگ انتخاب کنید، اما اهداف سالیانه‌تان را طوری انتخاب کنید که به آن برسید.

شیشه را بشکن

وقتی اهداف سالیانه را نوشتید باید آن‌ها را تجزیه کنید. باید تمامی اقدامات لازم برای رسیدن به آن هدف را از کوچک به بزرگ تعیین کنید. باید اهدافتان را مانند شیشه ای که می شکند به قطعات کوچک تقسیم کنید تا بتوانید به راحتی برایش قدم بردارید. در دوره‌های دو برابر کردن پول ما به افراد آموزش می‌دهیم تا با استفاده از فرمول دو برابر کردن پول اهدافشان را تجزیه کنند که البته در اینجا هم روش تجزیه را به شما می‌گویم تا به راحتی این کار را انجام دهید.

باید اهدافتان را مانند شیشه ای که می شکند به قطعات کوچک تقسیم کنید تا بتوانید به راحتی برایش قدم بردارید.

شما باید رسیدن به هدفتان را از بزرگ به کوچک دسته‌بندی کنید. بزرگ‌ترین قسمت خود هدف است. مثلاً هدفتان خرید یک ماشین است بزرگ‌ترین قدمش می‌شود خرید ماشین، قدم بعدی پیدا کردن ماشین است. قدم بعدی باز کردن یک حساب برای جمع کردن پول ماشین. قدم بعدی سؤال هرروزه از بنگاه‌های مختلف و به دست آوردن اطلاعات راجع به خرید ماشین و قدم بعدی دیدن ماشین مورد علاقه‌مان در مجله و اینترنت و... است. این صرفاً یک مثال است اما شما باید آن را برای اهداف

خودتان بسازید. در اصل این برنامه‌هاست که به هدف شما ماهیت می‌دهد و شمارا به آن می‌رساند. زیرا هدف بدون برنامه‌ریزی تنها یک آرزو است.

برنامه‌هاست که به هدف شما ماهیت می‌دهد و شمارا به آن می‌رساند.

اجل در راه است

خیلی از ما در مدرسه هرگز در طول ترم درس‌هایمان را نمی‌خواندیم و معمولاً شب امتحان درس‌هایی را می‌خواندیم که باید در طول چند ماه خوانده می‌شد. اما همیشه می‌توانستیم یک‌روزه درس را تمام کنیم؛ چرا؟ زیرا همیشه فرجه‌ای معین وجود داشت که یا باید در طول آن کار را تمام می‌کردیم و یا شکست می‌خوردیم. همین الگو را اگر بتوانیم در ذهنمان برای هر کاری پیاده کنیم می‌توانیم هر کاری را در زمانی معین به اتمام برسیم. بوده زمان‌هایی که باید یک کار یا پروژه را چندروزه تحویل می‌دادیم و در عرض چند روز برای اتمام کار تلاش کردیم و توانستیم به راحتی در آن موفق شویم.

وقتی هدف‌تان را تجزیه کردید برای انجام هر بخش از کارها حتماً یک ضرب‌الاجل تعیین کنید. برای کوچک‌ترین کارها زمان خیلی کوتاه قرار



دهید و کم کم زمان ها را زیاد کنید خودتان را در ضرب الاجل قرار دهید و به این کار عادت کنید تا همیشه بتوانید به موقع و در زمانی که دوست دارید به هدفتان برسید.

همیشه فرجه ای معین وجود داشت که یا باید در طول آن کار را تمام می کردیم و یا شکست می خوردیم.

بیمه کنید تا آسوده باشد

مهم ترین نکته ی رسیدن به اهداف را در ابتدای این کتاب الکترونیکی مطرح کردم. شما باید رسالتتان را به انجام برسانید. شما باید کاری که عاشقش هستید را انجام دهید تا به راحتی به اهدافتان برسید. این کار رسیدن به اهدافتان را بیمه می کند و شما با خیال آسوده به سمت رسیدن به اهداف می روید. ما باید اهدافمان را همواره در ذهنمان بینیم. مهم ترین دلیل این که به اهدافمان نمی رسیم یا خیلی دیر می رسیم این است که اهدافمان را فراموش می کنیم. اگر اهداف را فراموش کنیم مسلماً تلاشی هم برای رسیدن به آن انجام نمی دهیم و اقداماتی که تعیین کردیم انجام نمی شود و رسیدن به هدف به تعویق می افتد. در دوره هایم افراد زیادی را دیده ام که هدف گذاری می کنند و هدفشان را می نویسند و بعد از گذشت

مدتی دوباره وارد زندگی یکنواخت می‌شوند و همه چیز یادشان می‌رود. اول از همه هدف گوشه ذهنتان باشد. چشم‌انداز انگیزه‌تان باشد و تجسم و نوشتن راجع به اهداف بنزین رسیدن به مقصدتان.

شما باید کاری که عاشقش هستید را انجام دهید تا به راحتی به اهدافتان برسید.

اگر می‌خواهید تمام عوامل در جهان کمکتان کند تا به هدفتان برسید مهم‌ترین کار این است که برای هدفتان قدم اول را بردارید. وقتی قدم اول برداشته شود قدم‌های بعدی خودبه‌خود انجام می‌شود. قدم اول همچون روشن کردن ماشین است. اگر قدم اول را برندارید ماشینتان خاموش می‌ماند و هرچقدر گاز بدهید به حرکت در نمی‌آید. همیشه باید قدم اول ایده خیلی سریع برداشته شود چون زمانی که ایده به ذهن می‌رسد انجامش در همان زمان به ما می‌تواند کمک کند. یک قدم ما برمی‌داریم صد قدم جهان برایمان برمی‌دارد و همه چیز خودبه‌خود محیا می‌شود و خوش‌شانسی پشت خوش‌شانسی را مشاهده می‌کنیم.

جمع بندی:

شیرینی رفتن به دنبال اهداف از عسل شیرین تر است. انسان های هدف دار در زندگی خیلی موفق ترند تا کسانی که بی هدف هستند. مهم نیست چقدر تلاش می کنید و چه زمانی به اهدافتان می رسید. کسی که به دنبال هدفش در زندگی در حرکت است در حال زندگی است و خداوند بهترین ها را در زمانی که باور هایش با خواسته اش هم راستا شد به او می دهد.

نیازی نیست نگران باشید. اهداف وقتی نوشته شد درخواست شما همواره در جهان موجودیت پیدا کرده و شما وقتی آماده شدید با آن برخورد می کنید. پس چرا در این مسیر زیبا نگران باشیم؟ لذت ببرید که برای این زندگی تکراری نیست.

شما با اجرای دستورالعمل های این کتاب و تلاش برای رسیدن به اهدافتان می توانید خیلی سریع اهدافتان را به دست آورید. ما برای سرعت بخشیدن و بهبود روند رسیدن شما به اهدافتان در سایت www.pool doubler.ir آموزش ها و محصولات تولید کردیم که می تواند چنان به این روند بهبود بخشد که شما با آسودگی خیال و به راحتی به اهداف تان دست یابید.

موفق و پیروز باشید...